

پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
(از ص ۱۲۷ تا ص ۱۴۵)

سرنخ‌های جدیدی از رویدادهای تاریخی در سرپل ذهاب در اواخر هزاره سوم ق.م با نگاهی به نقش برجسته آنوبانی‌نی

کمال‌الدین نیکنامی

استاد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد امین میرقادری^۱

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۷/۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۱۴

چکیده

نقش برجسته آنوبانی‌نی در شهرستان سرپل ذهاب از جمله قدیمی‌ترین نقوش برجسته سنگی در ایران است که در سال ۱۸۳۶ راولینسون آن را شناسایی کرد و در سال ۱۸۹۶ دموگان نخستین طرح را از آن منتشر نمود. این نقش برجسته در امتداد شاهراه مهم و راهبردی معروف به شاهراه خراسان بزرگ قرار دارد که ارتفاعات زاگرس مرکزی را به دشت‌های پست میانرودان متصل می‌کند. وجود یک کتیبه در زیر این نقش بر اهمیت آن افزوده است. این کتیبه ما را با جزئیات نقش و افراد حک شده بیشتر آشنا می‌کند. با توجه به این که این نقش برجسته مربوط به یکی از حاکمان قدرتمند لولوبی به نام آنوبانی‌نی بوده است، نام این نقش برجسته نیز به نام آنوبانی‌نی معروف شده است. چون این نقش طی چند مرحله دستخوش تغییراتی شده است، در این مقاله سعی شده تا درباره این تغییرات بحث شود و درباره نقش اسیر اضافه شده در انتهای نقش برجسته، ماهیت این نقش و ارتباط نقش برجسته آنوبانی‌نی با نقش برجسته ایدین‌سین، که روبه‌روی آن قرار دارد، تفسیری روشن عرضه گردد. به نظر می‌رسد این نقش برجسته را آنوبانی‌نی بر روی کوه باتیر حک کرده، اما رقیبان منطقه‌ای لولوبی‌ها، یعنی سیمورومی‌ها، در آن تغییراتی داده‌اند.

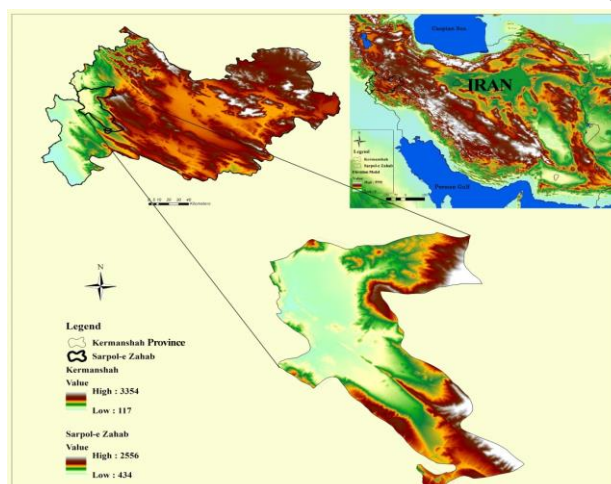
واژه‌های کلیدی: لولوبی‌ها، آنوبانی‌نی، سیموروم، ایدین‌سین، هوری‌ها، سرپل ذهاب، نقش برجسته سرپل ذهاب.

m.a.mirghaderi@ut.ac.ir

۱. رایانامه نویسنده مسئول:

مقدمه

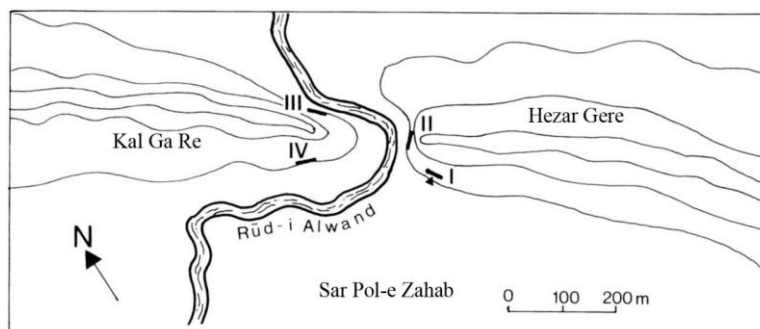
سرپل ذهاب واقع در غرب زاگرس مرکزی، منطقه‌ای مرزی میان ارتفاعات زاگرس و دشت‌های پست میانرودان است (تصویر ۱). این منطقه به دلیل موقعیت ممتاز و قرارگیری در امتداد شاهراه خراسان بزرگ از سوی برخی از شرق‌شناسان دروازه آسیا و زاگرس نامیده شده است (Herzfeld, 1920). رودخانه الوند از میان دشت سرپل ذهاب و کوه باتیر عبور می‌کند. در دو سمت تنگه، اولین بار راولینسون دو نقش برجسته را در سال ۱۸۳۶ شناسایی و سپس منتشر کرد (Rawlinson, 1839: 35). اما این هر دو نقش برجسته، یعنی نقش برجسته آنوبانی‌نی و ایدین‌سین، دارای کتیبه‌های بسیار مهمی هستند که نخستین بار هرتسفلد آنها را شناسایی کرد و به سبب تشابه آنها با نام‌های آنوبانی‌نی یک و دو معرفی نمود.



تصویر ۱: موقع جغرافیایی سرپل ذهاب در غرب ایران

پس از این کشف، پژوهشگران زیادی پیرامون ترجمه و ماهیت این نقش و کتیبه بحث کرده‌اند (Frayne, 1990: 704). ادزارد در سال ۱۹۷۳، بر اساس عکسی که ترومپلمن تهیه کرده بود، ترجمه‌ای از کتیبه آنوبانی‌نی منتشر کرد (Edzard, 1973). پس از او، هرودا، بر اساس متن تصحیح‌شده درباره کتیبه بحث کرد (Hrouda, 1976). هرودا کتیبه نقش برجسته ایدین‌سین را نیز خواند و نشان داد که این نقش برجسته از یک شاه لولوبی نیست، بلکه متعلق به یک شاه سیمورومی به نام ایدین‌سین است (Ahmed, 2012: 250). بخشی از کتیبه این نقش برجسته نیز به مانند کتیبه نقش برجسته آنوبانی‌نی تخریب شده است (تصویر ۲ و ۳). یکی از مهم‌ترین نکاتی که در کتیبه نقش برجسته آنوبانی‌نی

می‌توان مشاهده کرد ذکر کوهی به نام باتیر است که نقش بر سینۀ آن ایجاد شده است. تاریخ‌گذاری‌های پیشنهادی برای این کتیبه نیز همزمان بودن این متون با دورۀ ایسین لارسا را نشان می‌دهد (Edzard, 1973: 73).

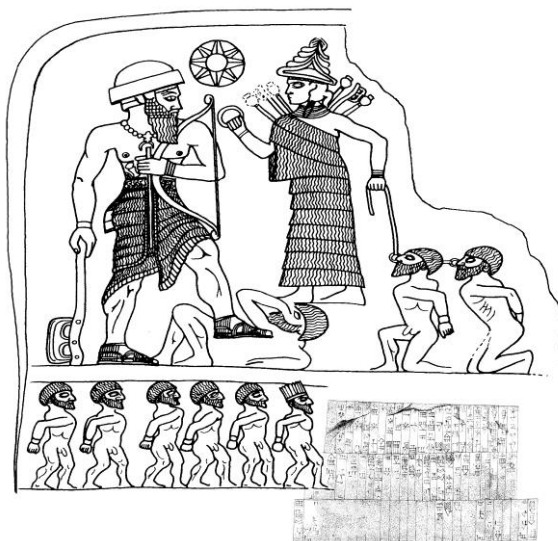


تصویر ۲: محل نقوش برجسته بر روی کوه‌های کل‌گاره و هزارگره: I: نقش برجستۀ آنوبانی‌نی، II: نقش برجستۀ بابل قدیم، III: نقش برجستۀ بابل قدیم، IV: نقش برجستۀ سیمورومی (برگرفته با تصرف از Vanden Berghe, 1983: 152).

پژوهش‌های اخیر مفیدی نصرآبادی دربارهٔ نقش برجستۀ آنوبانی‌نی وجود دو نام جدید را آشکار ساخته است، یکی بر روی بازوی یکی از اسرا که در زیر پای آنوبانی‌نی افتاده و دیگری بر روی بازوی نخستین اسیری که در ردیف پایین ایستاده و تاجی کنگره‌دار دارد (Mofidi Nasrabadi, 2004). به نظر می‌رسد نامی که بر روی این دو اسیر حک شده بایستی نام فعلی این افراد باشند، اما متأسفانه این نام‌ها ناخوانا هستند (Ibid., 294). اما نکته‌ای که در هر دو کتیبهٔ آنوبانی‌نی و ایدین‌سین قابل مشاهده است تخریب عمدی بخشی از کتیبه‌هاست: بخش‌هایی که مربوط به ذکر فتوحات و احتمالاً لشکرکشی‌هاست بر روی هر دو کتیبه مخدوش شده است (Edzard, 1973; Hrouda, 1976) و فقط نام خدایان و نفرینی که بر آسیب‌زنندگان به نقش فرستاده شده مشاهده می‌شود. نقش فردی که در ابتدای ردیف پایینی ایستاده و کلاه کنگره‌دار او را از سایر اسرا جدا کرده است، با توجه به ظاهر آن و نیز با توجه به مخدوش کردن بخشی از کتیبه، به احتمال فراوان در زمانی دیگر به نقش آنوبانی‌نی اضافه شده است. نام این اسیر، با توجه به کتیبه‌ای که روی بازوی آن حک شده، به گفتهٔ مفیدی نصرآبادی (Mofidi Nasrabadi, loc. cit.) ایمی شو^۱ بوده، اما متأسفانه هویت وی قابل شناسایی نیست.

1. I-mi-šú

(cit). نام این فرد چیست و چه کسی و چه زمانی آن را به این نقش اضافه کرده است؟ آیا ارتباطی میان نقش آنوبانی‌نی و نقش ایدین‌سین وجود دارد؟ لولوبی‌ها و سیمورومی‌ها با ایجاد این نقوش در سرپل ذهاب به دنبال نشان دادن چه چیزی بوده‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها باید اطلاعاتی پیرامون جغرافیای تاریخی و طبیعی منطقه، نقوش برجسته و کتیبه‌های آن‌ها آورد و همچنین باید درباره لولوبی‌ها و سیمورومی‌ها، بازیگران اصلی و مهم این دوره در منطقه سرپل ذهاب صحبت کرد.



تصویر ۳: طرح کتیبه و نقش برجسته آنوبانی‌نی در سرپل ذهاب (برگرفته با تصرف از Vanden Berghe, 1983: 21, fig 1)

۱. جغرافیای طبیعی و تاریخی سرپل ذهاب

دشت‌های واقع در شهرستان سرپل ذهاب را به غربی‌ترین دشت‌های میان‌کوهی زاگرس مرکزی می‌شناسیم. این دشت‌ها شامل دشت‌های ذهاب در شمال، بشیوه و پاتاق در شرق و قلعه شاهین در جنوب شرق است و در غرب استان کرمانشاه واقع شده است. با توجه به ساختار چین‌خوردگی‌های زاگرس مرکزی، راه‌های ارتباطی اندکی برای اتصال دشت‌های میان‌کوهی با یکدیگر و نیز مناطق همجوار وجود دارد و همین عامل باعث شده که شاهراه خراسان بزرگ اهمیت فراوانی برای جوامع ساکن در زاگرس مرکزی و جوامع میان‌رودانی داشته باشد. سرپل ذهاب نیز در امتداد همین شاهراه مهم قرار گرفته و دروازه ورود به فلات ایران محسوب می‌شود.

از سرپل ذهاب به نام‌های گوناگون در متون میانرودانی ذکر شده است. از محلی به نام نَمَر^۱ در متون سلسله‌های قدیم یا نَمری^۲ در متون اکدی که از تل السلیمه^۳ حمرین به دست آمده نیز یاد شده که در امتداد شاهراه خراسان بزرگ و در زاگرس مرکزی بوده و خُلوان نیز در آن قرار گرفته است (Frayne, 1992: 64). در دوره اکد و پس از آن در اسناد میانرودانی به نام‌های خُلوان، خَلمان و خُلوان بر می‌خوریم (Frayne, 1999: 148). این اسامی جز آنکه نامی برای یک منطقه جغرافیایی است، نام رودخانه‌ای نیز بوده که امروزه آن را به نام رودخانه الوند می‌شناسیم. این رودخانه در امتداد غرب به رودخانه دیاله می‌پیوندد و در متون متعدد از آن نام برده شده است. از آنجایی که این رودخانه می‌تواند معیار مناسبی برای شناسایی مناطق یا شهرهای کهن باشد، برای مطالعات باستان‌شناسی بسیار مهم است. در فهرست نام‌های جغرافیایی به دست آمده از ابوصلابیخ و ایلا به جای نام‌های مِه‌توران^۴، باتیر^۵، نِیقوم^۶، نَمَر^۷ و پَدَن^۸ اشاره شده که در امتداد رودخانه خُلوان قرار داشته‌اند (Frayne, 1999: 147). ممکن است پَدَن همان پالی یا پالوم باشد که عبدی و بکمن مکان آن را چغاگوانه در اسلام‌آباد غرب پیشنهاد کرده‌اند (Abdi and Beckman, 2007). به نظر می‌رسد خُلوان یا خُلوان نام منطقه‌ای بوده که باتیر نیز در آن قرار داشته است. به استناد کتیبه اکدی نقش برجسته آنوبانی‌نی نام کوهی که نقش بر روی آن حک شده و اکنون در حاشیه شمالی شهر سرپل ذهاب واقع است باتیر بوده است. در کتیبه مرزما یا به اصطلاح کودوروی بابلی - کاسی کشف شده در سرپل ذهاب نیز از رودخانه‌ای مرزی به نام توران^۹ نام رفته که احتمالاً نام دیگر رودخانه خُلوان است (Borger, 1970). نام خَلمان در کتیبه بسیار مهم قریب خالدینی نیز به عنوان جنوبی‌ترین محدوده سرزمینی سیموروم در اوایل هزاره دوم ق.م ذکر شده است (Ahmed, 2012: 264)؛ جایی که ایدین‌سین نقش برجسته‌ای را بر روی کوهی روبه‌روی نقش برجسته آنوبانی‌نی حک کرده است. تسلط بر چنین گذرگاه مهمی برای حفظ

1. Namar
2. Namri
3. Tell el-Suleimah
4. Me-Turran
5. Batir
6. Niquum
7. Madar
8. Padan
9. Turan

قدرت و نفوذ حکمروایی سیمورومی‌ها بسیار مهم بوده است. علاوه بر کتیبه قریب خالدینی، نقش برجسته آنوبانی‌نی نیز در حال نشان دادن مرزهای جنوبی سرزمین لولوبوم در کرانه‌های رودخانه الوند است.

۲. لولوبی‌ها در سرپل ذهاب

سرزمین لولوبوم^۱ یا مردمان لولوبی^۲ در اسناد تاریخی و ادبی میانرودان مردم نواحی کوهستانی شرق توصیف شده است (Edzard et al. 1977: 111) که هر چند به دفعات هدف حملات نظامی میانرودانی‌ها قرار گرفته بود، اما تا پیش از دوره آشوری‌ها به تصرف میانرودانی‌ها در نیامد. لولوبونا^۳ نخستین بار در متون دوره سلسله‌های اولیه که از تل ابوصلابیخ به دست آمده و سپس در متون اکدی تل گیسور مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد نام شهری از شهرهای لولوبوم بوده باشد (Frayne, 1992: 61). در دوره بابل قدیم، از اصطلاح لولیم^۴ و لولوم^۵ برای نامیدن مردم خارجی کوه‌های شرقی نیز استفاده شده و بنابراین تعیین مکان دقیق سرزمین آنان دستخوش پیچیدگی شده است (Parpola, 1970: 228). از دوره اکدی، به‌ویژه از زمان حکمرانی نرام‌سین، اشاره به لولوبی‌ها افزایش می‌یابد. نرام‌سین به احتمال با شکست دادن حاکم لولوبی سرزمین لولوبی‌ها را در ارتفاعات شرقی تصرف کرده و به یاد این پیروزی استل پیروزی خود را در شوش بر پا نموده است (Collins, 2016: 82). در متون زمان نرام‌سین، از یک شاه لولوبوم به نام الی / لین - ایل به عنوان رهبر سرزمین‌های خارجی یاد شده است که علیه او قیام کرده بودند (Potts, 1994: 20). کشمکش میان لولوبی‌ها و گوتی‌ها نیز در برخی متون بابلی قدیم مشاهده می‌شود. در این متون، که به وقایع زمان اریدو پیزیر، شاه گوتی، اشاره دارد، از اتحاد میان سیمورومی‌ها و لولوبی‌ها علیه گوتی‌ها پرده برداشته شده است (Zadok, 2002). با این وجود، در دوره اکد ارتباط نزدیکی میان مردم لولوبی و گیسور (شهر نوزی امروزی) برقرار بوده و گوسفند، بز و رمه مردمان لولوبوم با غله میانرودان مبادله می‌شده است (Klengel, 1965: 351). در متون شمشارا به مردمان

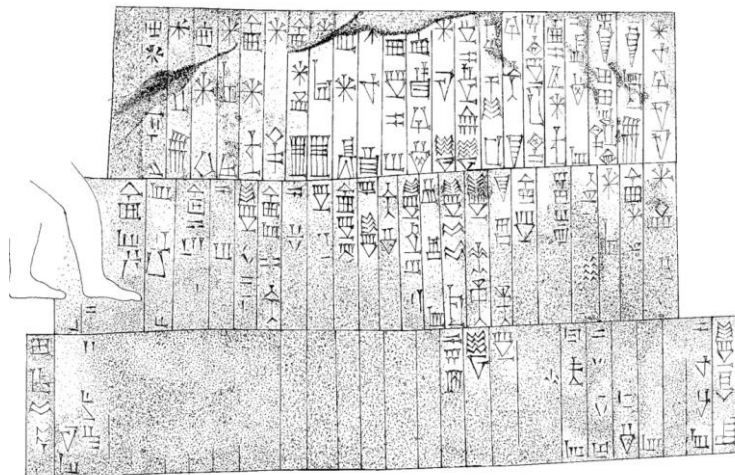
1. Lulubum
2. Lulubi
3. Lulubuna
4. Lulim
5. Lulum

جنگجوی لولوبی اشاره شده که در شمال سوریه در حال خدمت برای میانرودانی‌ها بوده‌اند.

بنا بر متون جغرافیایی سارگن اکدی، سرزمین لولوبی در حد فاصل اورونا^۱، که احتمالاً در محل تلاقی زاب و دجله قرار داشته (Frayne, 1992: 89)، و سینو^۲ (احتمالاً سنندج کنونی) و مناطق جنوبی دریاچه زریبار و دریاچه اورمیه قرار داشته است (Ahmed, 2012: 76). با این وجود، هنوز در مورد مرزهای جنوبی لولوبی‌ها در هزاره سوم و دوم پیش از میلاد اطلاعی در دست نیست. هر چند نقش برجسته آنوبانی‌نی بر ساحل رودخانه الوند گواهی است که مرزهای جنوبی لولوبی تا کرانه‌های رودخانه الوند در سرپل ذهاب گسترده بوده، اما به نظر می‌رسد این توسعه سرزمینی بیشتر حاصل حضور جوامع نیمه‌یکجانشین لولوبی، به مانند حضور پررنگ در سایر نواحی کوهستانی، باشد تا ناشی از فعالیت‌های یک نیروی نظامی سازمان‌یافته و متمرکز که توانسته باشد حضور خود را تثبیت کند (Klengel, loc. cit.). به گواه نقش برجسته آنوبانی‌نی و کتیبه آن لولوبی‌ها توانسته بوده‌اند در یک دوره زمانی هرچند کوتاه حوزه نفوذ خود را به صورتی متمرکز و یکپارچه در مرزهای شرقی میانرودان و در امتداد شاهراه خراسان بزرگ گسترش دهند و این احتمالاً به کمک نیروی نظامی بوده است. در این نقش برجسته، آنوبانی‌نی به مانند یک فاتح بزرگ دشمنان خود را به زنجیر کشیده و حلقه قدرت را از عشتار، الهه بزرگ میانرودانی، دریافت می‌کند؛ صحنه‌ای که تا قرون متمادی در نقوش برجسته شاهان خاور نزدیک به اشکال مختلف تکرار می‌شود. متأسفانه جز نام آنوبانی‌نی، کوه باتیر و نام تنی چند از خدایان و الهگان مابقی متن به صورت عمدی مخدوش شده است. نکته قابل توجه در این نقش اضافه شدن فردی با کلاه کنگره‌دار در ابتدای صف اسراست که موجب مخدوش شدن بخشی از کتیبه نیز شده است (تصویر ۴ و ۵).

1. Uruna
2. Sinu

۱۳۴ / سرنخ‌های جدیدی از رویدادهای تاریخی در سرپل ذهاب در اواخر هزاره سوم ق.م با نگاهی به نقش برجسته...



تصویر ۴: نمایی از کتیبه آنوبانی‌نی. احتمالاً فرد آخر در صف اسرا بعد از نگاشته شدن کتیبه اضافه شده است (Mofidi Nasrabadi, 2004: 298).



تصویر ۵: آخرین فرد در صف اسرا با کلاه کنگره‌دار (Mofidi Nasrabadi, 2004: 301).

۲-۱. کتیبه و نقش برجسته آنوبانی‌نی

در نقش برجسته آنوبانی‌نی، وی درحالی حلقه قدرت را از عشتار می‌گیرد که پای بر یکی از اسرا نهاده است. آنوبانی‌نی، مشابه سنگ یادمان نویافته در سراب سیی خان در شمال سرپل ذهاب، در دست راست خود عصا یا سلاحی دارد که نماد اعتبار و مشروعیت وی نیز هست (Gelb, 1957: 118; Biglari *et al.* 2018: 33). در دست چپ نیز کمانی دارد. در پشت سر عشتار نیز دو اسیر به چشم می‌خورد که زانو زده‌اند و عربان منتظر مجازات آنوبانی‌نی هستند. در ردیف پایین نیز شش اسیر است با دست‌های از

پشت بسته که آن‌ها نیز عریان هستند. همان‌طور که گفته شد، نخستین نفر بعداً به این نقش اضافه شده است و کلاه کنگره‌دار مشابه نمونه‌های هخامنشی وی را از سایر اسرا جدا و بخشی از کتیبه را نیز پاک کرده است.

آنوبانی‌نی نام چند خدا را در متن کتیبه آورده است. چند نام نیز شکسته و بعضی اجزای دیگر هم ناخواناست:

آنوبانی‌نی، شاه قدرتمند، شاه لولوبوم، تصویری از خودش و تصویری از الهه عشتار در روی کوه باتیر بر پا ساخته است. او، کسی که این دو تصویر را مخدوش کند/ آسیب بزند و کتیبه را، خدایان آنوم و سین و عشتار و آدد و نینلیل و انلیل و شمش و آنتوم و آنوم ... خدایان نرگال [...] و سرور [...] و [...] خدای بزرگ و ... نفرین کناد، نفرینی بد، سلاله او را از بین ببرند. دریای بالایی و پایینی که ... و آن ... و ... نام خودش ... در برابر مردم خودش منفور شود. آنوبانی‌نی در این زمان فرمانروایی قدرتمند است (Edzard, 1973: 74).

در بهار سال ۱۳۸۰ دو کتیبه جدید بر روی نقش برجسته شناسایی شد؛ یکی بر روی بازوی فردی که در زیر پای آنوبانی‌نی قرار گرفته و دیگری بر روی بازوی اولین فرد اسیر در ردیف پایین که کلاه کنگره‌داری دارد. این نوشته‌ها احتمالاً نام آن‌ها بوده است (Mofidi Nasrabadi, 2004: 293).

داگلاس فرین می‌گوید که تاریخ این کتیبه و نقش آن به درستی دانسته نیست. با این حال، به استعمال be-el به جای be-al که در کتیبه‌ی ایشبی‌یرا^۱ (۱۷-۲۰-۱۹۸۵ ق.م) آمده است توجه می‌دهد (به جای be-el در کتیبه‌های ایشبی-داگان^۲) و تاریخی پیشنهاد می‌کند که مربوط به اوایل دوره ایسین لارسا^۳ است (Frayne, 1999: 704). محققان دیگر هم گفته‌اند که این نقش برجسته و نقش برجسته ایسین احتمالاً همزمان با دوره ایسین لارسا و کمی بعد از فروپاشی سلسله سوم اور ایجاد شده‌اند (Edzard, 1973).

۲-۲. سیمورومی‌ها در سرپل ذهاب

در باستان‌شناسی ایران و در هنگام ترسیم جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی به سیمورومی‌ها کم‌تر پرداخته شده است. اما خوشبختانه یکی از نقوش برجسته سرپل ذهاب مربوط به حاکمان سیمورومی است و این باعث می‌شود تا در مورد سیمورومی‌ها در سرپل ذهاب بیشتر بدانیم.

1. Išbi-Era
2. Išme-Dagān
3. Isin Larsa

برای نخستین بار با نام سیمورومی‌ها در متون سلسله‌های اولیه II آشنا می‌شویم. نام آنها به صورت سیموری^۱ و سیمورو^۲ آمده است (Frayne, 1997a: 245). در متون اکدی مربوط به لشکرکشی‌های سارگن و نرام‌سین نیز به سیموروم^۳ و سیموریم^۴ اشاره شده است (Edzard *et al.* 1977: 143). در دوره‌های پس از اکد نیز به کرات از سیمورومی‌ها یاد شده است. اما می‌توان گفت که واضح‌ترین اشارات به سیمورومی‌ها را می‌توانیم در متون اکدی مشاهده کنیم که از نیپور به دست آمده‌اند (Frayne, 1997a: 245). منابع میانرودانی به مانند لولوبی‌ها، اقوام سیمورومی را ساکنان کوهستان معرفی می‌کنند (Grayson, 1974). علاوه بر متون میانرودانی، شاهان سیمورومی دارای کتیبه‌های متعدد و البته مهمی شامل کتیبه اورشلیم، بیت‌وات، سرپل ذهاب و کتیبه مهم قریب خالدینی نیز هستند. همگی این متون مربوط به زمان ایدین‌سین است (Ahmed, 2012: 249). این کتیبه‌ها نیز اطلاعات مفیدی در مورد سرزمین سیموروم و حدود آن ارائه می‌دهند. بر اساس این متون، محدوده اصلی و قلب سرزمینی سیمورومی‌ها در حوالی شهرزور کنونی بوده و به‌طور کلی محدوده‌ای در شرق رود دجله بین رودخانه زاب و دیاله را در بر می‌گرفته است (Frayne, 1997a). شهر مهم آن‌ها، یا شاید بتوان گفت پایتخت آن‌ها، نیز در کرانه‌های رود سیروان، در جایی که امروزه آن را به نام قلعه شیروان می‌شناسیم، واقع بوده است (Frayne, 1997a: 104; 1997b: 264–266; 1999: 151). با توجه به اشارات متعدد به سیمورومی‌ها در متون میانرودانی، می‌توان دریافت که سیمورومی‌ها نزدیک به پنج قرن (همزمان با سلسله اکد تا آغاز سلسله بابل قدیم) به‌عنوان یک قدرت سیاسی مهم در معادلات سیاسی میانرودان حضور داشته‌اند (Frayne, 2011: 509). پس از دوره اکد و همزمان با حکومت گوتی‌ها در میانرودان شاهد درگیری میان کانیشبا^۵، شاه سیموروم و اریدو پیزیر، شاه گوتی‌ها، هستیم (Zadok, 2002).

سیمورومی‌ها، اگرچه در این نبرد با لولوبی‌ها متحد شده‌اند، اما به نظر می‌رسد صحنه رقابت در منطقه پس از سقوط سلسله سوم اور تغییر کرده است. می‌دانیم که اولین شاه سلسله سوم اور که به کوهپایه‌های غربی زاگرس لشکرکشی کرد اور نمو بود. او در این نبرد، همان‌طور که در کتیبه خود آورده است، در کوهستان با عیلامی‌ها درگیر

1. Simuri
2. Simuru
3. Simurum
4. Simurim
5. Kanishba

شده است (Frayne, 1992: 5). اما به نظر می‌رسد نبرد اصلی، همان‌طور که بر روی مهرهای نیپور قابل مشاهده است، در شمال دجله میان اور نمو و کوتیک اینشوشیناک رخ داده است، در واقع در کوهستان‌های غربی ایران و بخش‌هایی از مناطق شمالی دجله. پس از اور نمو پسرش شولگی^۱ تهاجمات گسترده‌ای را برای تسلط دوباره بر کوهپایه‌های زاگرس در امتداد رود دپاله آغاز کرده است (Frayne, 1992: 9). شولگی در اولین نبردهای خود در سال ۲۴S، سال بیست و چهارم شولگی، به کرخار حمله کرده که احتمالاً در نزدیکی خانقین امروزی قرار داشته است. دو نبرد بعدی در سال‌های ۲۵ و ۲۶ نیز علیه سیموروم بوده است. شولگی در سومین نبرد خود علیه زاگرس در سال-های ۴۲S و ۴۵S موفق به شکست دادن شهرهای سیموروم، لولوبی و کرخار شده است (Frayne, 1999: 146). اولین باری که در دورهٔ سلسلهٔ سوم اور، سیموروم مورد تهاجم اور قرار می‌گیرد مربوط به سال ۲۵-۲۶ شولگی است. هالو تحلیل قانع‌کننده‌ای کرده و گفته است که این حملات برای بازگشایی راه‌های شمالی به قصد دستیابی به مرزهای سرزمینی لولوبی‌ها و شاشروم^۲ و اوربیلوم^۳ بوده است (Hallo, 1978: 72). بنابراین، نیروهای سلسلهٔ سوم اور در امتداد زاگرس حضور داشته‌اند و این می‌تواند تأییدی بر این مدعا باشد که سیمورومی‌ها و لولوبی‌ها از این منطقه دور شده بوده‌اند. اما این وضع با سقوط اور به دست سیماشکی‌ها دوام نیاورد. متون میخی برجامانده و نقوش برجسته و سنگ یادمان‌های مهمی که از حد فاصل بیت آوا در جنوب کردستان عراق تا منطقهٔ سرپل ذهاب به دست آمده حاکی از این واقعیت است که در میان این نواحی دو گروه قدرتمند سیمورومی‌ها و لولوبی‌ها طی قرون پایانی هزارهٔ سوم پیش از میلاد تا نیمهٔ اول هزارهٔ دوم ق.م حکمرانی داشته و در مناطقی مانند سرپل ذهاب درگیری‌های شدیدی بین آن‌ها رخ می‌داده است (Owen, 2000: 820; Biglari *et al.*, 2018). خلأ قدرت در منطقهٔ سرپل ذهاب راه را برای حضور لولوبی‌ها و سیمورومی‌ها در این نواحی به‌منظور تسلط بر شاهراه خراسان بزرگ و کوه‌پایه‌های غربی زاگرس هموار کرده بوده است. وجود نقش برجسته و کتیبهٔ ایدین‌سین در سرپل ذهاب نشان‌دهندهٔ اهمیت این منطقه برای سیمورومی‌هاست. این کتیبه نیز به مانند کتیبهٔ آنوبانی‌نی به طرز کاملاً مشکوکی

1. Šulgi
2. Šašrum
3. Urbilum

مخدوش شده است. در این کتیبه نیز فقط اسامی خدایان و الهگان باقی مانده است و شرح فتوحات و ... مخدوش شده است (Ahmad, 2012: 253).

۲-۳. کتیبه و نقش برجسته ایدین‌سین

این نقش برجسته سیمورومی و نیز کتیبه آن در بخش غربی قسمت شمالی رشته کوهی است که توسط رود الوند به دو بخش تقسیم شده است. این نقش برجسته در ارتفاع ۲۵ متری بر روی صخره‌ای کنده شده و فردی ایستاده با بلندی ۱,۲۷ متر را نشان می‌دهد که دشمنش را زیر پا انداخته است. چهره فردی که ایستاده نمادی از خدایان به شکل ماه و خورشید در سمت راست با خوشه‌های سوسو زننده و درخشانده. طول و عرض نقش ۱,۵ در ۱,۴۴ متر است. در زیر نقش برجسته کتیبه‌ای است با عرض ۱,۳۶ سانتی‌متر و طول ۳۵ سانتی‌متر. عرض نوشته‌ها ۱,۰۶ سانتی‌متر است (Ahmed, 2012: 249). نخستین بار هرتسفلد این کتیبه‌ها را شناسایی کرد. این نقش از نظر نوع پوشش شبیه به نقش آنوبانی‌نی است، با کمربندی که به سمت پایین تمایل دارد و حاشیه زریفت پارچه که هنوز هم به‌وضوح قابل مشاهده است. سربند وی به دلیل فرسایش آسیب‌دیده، اما در تصاویر هرودا در آن سوی موها قابل مشاهده است (Hrouda, 1976: Pl 5a). این شخص مانند نقش برجسته اورشلیم با چشم و ابروهای درشت نشان داده شده و فاقد ریش است (Shaffer and Wasserman, 2003: 40). گرچه سلاح‌های وی نیز حک شده، در اثر فرسایش بسیار آسیب دیده و فقط بخشی از شمشیر وی در پشت پای راست نمایان است. تیغه شمشیر با لبه به بیرون برگشته شبیه همان نمونه‌ای است که در نقش آنوبانی‌نی می‌توان دید. او همچنین مانند آنوبانی‌نی کمانی به دست دارد: آنوبانی‌نی شاه لولوبی، او دارد ... او تسلیم خود کرد. او تصویری برای خود بر روی کوه باتیر ساخت. او کسی بود که این تصویر را نابود کرد یا نوشته‌های نفرین را یا کسی را وادار به این کارکرد. آن مرد را خدایان آنوم و انلیل و نینخورسگ و آ و شمش، سرور و خدای داور، و عشتار، الهه نبرد، خدایان من و سروران من نفرین کنند. نسل او را منقطع کنند و بویران کنند اساس او را. وارث وی را کمکی نکنند/به او فرزندی عطا نکنند و زندگی برای او حرام ... به خدایان بزرگ ... او وقف/بنا کرد ... او را کشت/ شکست داد ... قهرمان؟ ... او دارد ... (؟) ... قهرمان ... ؟ .. او همه آن‌ها را شود (Ahmed, 2012: 254).

ما از این نقش در می‌یابیم که شاه دشمنان خود را شکست داده است. در میان آن‌ها شهر نیقوم نیز ممکن است آمده باشد، چرا که فتح سرپل ذهاب بدون فتح نیقوم برای سیمورومی‌ها ممکن نبوده است.

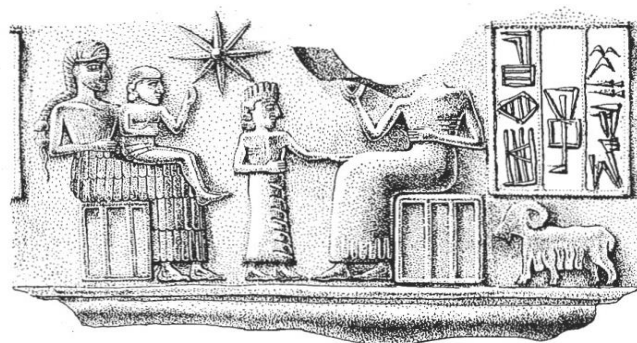
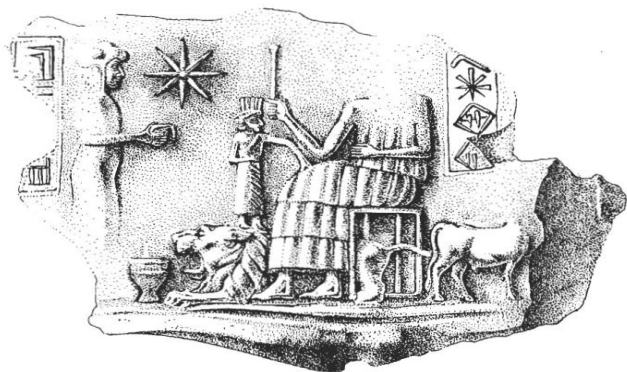
۳. بحث و نتیجه

همان‌طور که گفته شد، پس از سقوط سلسله سوم اور، خلأ یک نیروی متمرکز در کوهپایه‌های غربی زاگرس و در امتداد شاهراه خراسان بزرگ موجب شد تا حکومت‌های محلی ساکن در ارتفاعات بکوشند تا نفوذ و سلطه خود را در این مناطق راهبردی گسترش دهند. لولوبی‌ها و سیمورومی‌ها بیش از سایر حکومت‌های محلی با یکدیگر به کشمکش می‌پرداختند. یکی از مناطق بسیار مهم برای آن‌ها سرپل ذهاب یا همان خَلمان کهن بود که مانند دروازه ورود به ارتفاعات زاگرس، نقش مهمی در تسلط بر راه‌های کوهستانی زاگرس داشته است. کشمکش نظامی میان نیروهای محلی ساکن در ارتفاعات زاگرس (احتمالاً لولوبی‌ها) و نیروهای ساکن در کوهپایه‌های مشرف بر دجله (احتمالاً سیمورومی‌ها) در این منطقه و قصر شیرین (کرخار) در برخی از متون بابلی قدیم به دست آمده از تل اسمر بازتاب یافته است (Whiting, 1987).

این نکته بسیار حائز اهمیت است که سرپل ذهاب از مرزهای لولوبی‌ها بسیار دور بوده و همین بر اهمیت نقش برجسته آنوبانی‌نی می‌افزاید. در دو کتیبه از آنوبانی‌نی نام برده شده است، در یکی به عنوان دشمن و در دیگری به عنوان شاه لولوبی. گرچه در افسانه شاهان اکدی، مربوط به زمان نرام‌سین، نیز با آنوبانی‌نی نامی مواجه می‌شویم که از نظر تاریخی بیش از دویست سال قبل از ایدین‌سین می‌زیسته است، اما والکر معتقد است که آنوبانی‌نی مذکور در افسانه شاهان اکدی شاه اِشونونا بوده است (Walker, 1985: 166). ایدین‌سین یا معاصر آنوبانی‌نی است یا حداقل کمی پس از وی می‌زیسته است. این نکته را با توجه به متن کتیبه بسیار مهم قریب خالدینی می‌دانیم.

در دهه هشتاد میلادی و به‌طور اتفاقی در حوالی سلیمانیه عراق سنگ یادمان کتیبه‌داری کشف شد که به استل قریب خالدینی معروف شده است. این استل ما را با نام‌های جغرافیایی جدیدی آشنا می‌کند که تا پیش از این کشف برای ما ناشناخته بود (Ahmed, 2012: 255). این کتیبه، که به دستور ایدین‌سین فرمانروای سیموروم و به زبان اکدی نگاشته شده است، سرزمین‌های فتح شده بر دست وی را نشان می‌دهد که نام‌های آشنای خَلمان و آنوبانی‌نی، فرمانروای لولوبی، را نیز در خود دارد. در سطر ۴۹ این کتیبه پس از نام خَلمان به نام آنوبانی‌نی برمی‌خوریم (Ahmed, loc. cit.). قسمت مهم هر دو کتیبه ایدین‌سین در سرپل ذهاب و کتیبه خالدینی نامفهوم است - در کتیبه خالدینی نیز بخش اصلی شکسته شده است. با این حال، این کتیبه شرحی از پیروزی

ایدین‌سین است و حداقل محتوی ادعای او بر پیروزی بر سرزمین‌هایی است که ویران کرده یا به تصرف درآورده است. در این کتیبه به اقدامات آنوبانی‌نی و انتقامی که از او گرفته شده نیز اشاره شده است. پس به نظر می‌رسد آنوبانی‌نی پیش از به قدرت رسیدن ایدین‌سین بر لولوبی‌ها حکومت می‌کرده است. به هر حال، این شواهد از کشمکش میان سیموروم و لولوبوم بر سر سرپل ذهاب یا همان خلمان حکایت می‌کنند. در نقش برجسته آنوبانی‌نی به مانند نمونه‌های قدیمی‌تر آن در دوره اکدی، اسرا عریان هستند. اما در آن نفر اول از اسرا دارای کلاهی کنگره‌دار شبیه نمونه‌های هخامنشی در تخت جمشید است. اگر درباره استفاده از چنین کلاهی در میان فرهنگ‌های معاصر جستجو کنیم، به نمونه جالبی بر خواهیم خورد. اینچنین کلاهی یک کلاه مخصوص هوری‌ها بوده که بر روی مهرهای تل موزان سوریه یا همان اورکش^۱ کهن می‌توان آن را مشاهده کرد (Buccellati and Kelly-Buccellati, 1995: 10؛ تصویر ۶).



تصویر ۶: اثر مهری از محوطه تل موزان سوریه (Buccellati and Kelly-Buccellati, 1995: 10)

1. Urkeš

اگر بپذیریم که چنین تاجی جزئی از لباس درباری هوریان است، آن طور که در اورکش آمده است، می‌توانیم دریابیم که دشمن شکست‌خورده در نقش برجسته آنوبانی‌نی، که بعداً اضافه شده است، فردی هوری است و نامی که بر روی بازوی او حک شده (ایمی‌شو) نیز نام این فرد است (Mofidi Nasrabadi, 2004: 293). این فرد به احتمال فراوان شاهزاده‌ای هوری است، چراکه در مهرهای به‌دست‌آمده از اورکش این تاج بر سر شاهزاده‌ای هوری است (Buccellati and Kelly-Buccellati, 1997: 81). در این مهرها، فردی که کلاه کنگره‌دار بر سر دارد کودکی است که معمولاً در بین ملکه و شاه هوری ایستاده است (تصویر ۶). ایمی‌شو به احتمال فراوان ولیعهد هوری‌ها است، چرا که او نیز به مانند مهرها کلاه کنگره‌دار بر سر دارد.

هوری‌ها اقوامی بودند که نخستین بار در متون نیمه اول هزاره سوم از آن‌ها یاد شده است (Potts, 1994: 21). به نظر می‌رسد سرزمین هوری‌ها در محدوده‌ای از نواحی مرتفع از سرچشمه‌های دیاله تا اوربیوم (اریل) و از دجله علیا تا خابور علیا را در بر می‌گرفته و سرزمین‌های سیموروم دروازه ورود به مرزهای هوری از سمت میانرودان بوده است (Hallo, 1978: 72). پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که احتمالاً فردی هوری به انتهای صف اسرا در نقش برجسته آنوبانی‌نی اضافه شده است و نام وی بر روی بازویش اضافه شده است.^(۱) بر اساس آنچه توصیف شد، به نظر می‌رسد که این الحاقات کار ایدین‌سین بوده باشد، چراکه در کتیبه خالدینی نیز سرزمین هوری‌ها در شمار سرزمین‌های فتح‌شده به دست سیمورومی‌ها آمده است (Ahmed, 2012: 255). سرزمین‌های هوری در شمال و سرپل ذهاب در جنوب محدوده سرزمینی سیمورومی‌ها در اوایل هزاره دوم ق.م را معلوم می‌کرده‌اند. به نظر می‌رسد حدس ما مبنی بر اضافه شدن فردی هوری به ابتدای صف اسرا دور از واقعیت نباشد. سیمورومی‌ها پس از تسلط بر سرپل ذهاب با انجام این تغییرات بر روی نقش برجسته آنوبانی‌نی و نیز مخدوش کردن متن آن، شکست لولوبی‌ها، تسلط بر خلمان و قدرت سیاسی خود را به رخ کشیده‌اند. با این وصف، می‌توان تا حدودی این اسیر را شناسایی کرد. اگر بپذیریم ایمی‌شو ولیعهد هوری‌ها بوده باشد که به اسارت ایدین‌سین درآمده، باید به دنبال شاه هوری معاصر ایدین‌سین برویم. در اواخر هزاره سوم ق.م، از متون به‌دست‌آمده، نام‌های تیش‌آتال^۱ و آن‌آتال^۲ را، که دو شاه هوری اورکش بوده‌اند، می‌شناسیم (Gelb 1944: 114). شوسین^۱

1. Tiš-atal

2. Ann-atal

چهارمین شاه سلسله سوم اور (۲۰۳۷-۲۰۲۹ ق.م)، در جریان حمله به سیمانوم^۲ در روز ۲۹ از نهمین ماه سلطنت خود از حمایت فردی به نام تیش‌آتال بهره برده و پس از پیروزی به وی پاداش نیز داده است (Wilhelm, 1989: 11). به نظر می‌رسد که یکی از دلایل دشمنی سیمورومی‌ها همین نکته باشد، چراکه سیمانوم همسایه و هم‌پیمان سیموروم بوده که با همکاری تیش‌آتال تسلیم سلسله سوم اور شده بود. برخی معتقد هستند که پاداش تیش‌آتال برای همکاری با شوسین حکومت بر نینوا بوده است (Zettler, 2006: 505). به نظر نمی‌رسد سیمورومی‌ها توان غلبه بر تیش‌آتال را داشته‌اند، چون می‌دانیم که هوری‌ها در زمان تیش‌آتال هم‌پیمان سلسله سوم اور بوده‌اند و او شاه قدرتمندی محسوب می‌شده است. جانشین تیش‌آتال، آن‌آتال، آخرین شاهان هوری است که می‌شناسیم (Edzard and Farber, 1974: 224). او نیز به مانند تیش‌آتال شاه اورکش بوده است. اما گرچه اطلاعات ما درباره وی بسیار اندک است، می‌دانیم که شاه مقتداری نبوده و همزمان با بحران‌های داخلی سلسله سوم اور در زمان ایبی‌سین، آخرین شاه سلسله سوم اور (۲۰۲۸-۲۰۰۴ ق.م)، شاه اورکش شده است (Gelb, 1944: 114).



تصویر ۷: نمایی از نقش برجسته داریوش اول در بیستون. در ردیف اسرا آخرین فرد معروف به سکونخه سکایی پس از اتمام کتیبه‌ها و نقش برجسته به صف اسرا اضافه شده و باعث پاک شدن بخشی از کتیبه شده است (عکس از علی متین).

احتمالاً ایدین‌سین از ضعف سلسله سوم اور، و به تبع آن آسیب‌پذیر شدن هوری‌ها، استفاده کرده و انتقام سختی از آن‌آتال گرفته و پسر و جانشین وی را، که احتمالاً ایمی‌شو بوده به اسارت گرفته و سپس به نقش برجسته آنوبانی‌نی اضافه کرده است. با این اوصاف، ما با تصویری بسیار مهم از نقش برجسته آنوبانی‌نی در سرپل ذهاب آشنا

1. Šū-Sîn
2. Simanum

می‌شویم. این نقش برجسته، در کنار متون شناسایی‌شده، تصویر جدیدی از وضع سیاسی و فرهنگی سرپل ذهاب در اواخر هزاره سوم ق.م و ابتدای هزاره دوم ق.م به دست می‌دهد.^(۲)

پی‌نوشت‌ها

۱. چنین چیزی در دوره هخامنشیان بر روی نقش برجسته داریوش اول در بیستون نیز مشاهده می‌شود. در آنجا نیز سکونخه سکایی به ردیف اسرا اضافه شده و باعث شده تا حجار بخشی از کتیبه را پاک کند (تصویر ۷).
۲. نویسندگان از آقای سجاد علی‌بیگی به خاطر خواندن تحریر اول این نوشته و پیشنهادهای او برای بهبود مقاله سپاسگزاری می‌کنند.

منابع

- Abdi, K. and G. Beckman, 2007, "An Early Second-Millennium Cuneiform Archive from Chogha Gavaneh, Western Iran," *JCS* 59, 39-91.
- Ahmed, K.M, 2012, *The Beginnings of Ancient Kurdistan (c. 2500-1500 BC): a Historical and Cultural Synthesis*, PhD Dissertation, Leiden University.
- Biglari, A., S. Alibaigi and M. Beyranvand, 2018, "The stele of Sarab-e Sey Khan: a recent discovery of a second-millennium stele on the Iranian-Mesopotamian borderland in the Western Zagros Mountains," *JCS* 70, 27-36.
- Borger, R., 1970, "Vier Grenzsteinurkunden Merodachbaladans I. von Babylonien," *AFO* 23, 1-26.
- Buccellati, G, and M. Kelly-Buccella, 1995, "The Royal Storehouse of Urkesh: The Glyptic Evidence from the Southwestern Wing," *AFO* 42, 1-32.
- _____. 1997, "The First Hurrian Capital," *The Biblical Archaeologist* 60, No. 2, 77-96.
- Collins, P., 2016, *Mountains and Lowlands: Ancient Iran and Mesopotamia*, Ashmolean, Museum, University of Oxford.
- Edzard, D.O, 1973, "Zwei Inschriften am Felsen von Sar-i-Pül-i-Zohāb: Anubanini 1 und 2," *Afo* 24, 79-77.
- Edzard, D.O, and G. Farber, 1974, *Die Orts- und Gewässernamen der Zeit der 3. Dynastie von Ur*, RGTC 2, Wiesbaden.
- Edzard, D.O., G. Farber, and E. Sollberger, 1977, *Die Orts- und Gewässernamen der prä-sargonischen und sargonischen Zeit*, Répertoire Géographique des Textes Cunéiformes 1, Wiesbaden.
- Frayne, D.R., 1992, *The Early Dynastic List of Geographical Names*, AOS 74, New Haven.

- _____, 1997a, "On the location of Simurru," in G.D. Young, M.W. Chavalas, and R. E. Averbeck (eds.), *Crossing Boundaries and Linking Horizons: Studies in Honor of Michael C. Astour* (243–269), CDL Press, Bethesda.
- _____, 1997b, *Ur III Period (2112–2004 BC)*, The Royal Inscriptions of Mesopotamia: Early Periods 3/2, Toronto, University of Toronto Press.
- _____, 1999, "The Zagros campaigns of Šulgi and Amar-Suena," in D.I. Owen and G. Wilhelm (eds.), *Nuzi at Seventy-Five: Studies on the Civilization and culture of Nuzi and the Hurrians 10*, Bethesda, CDL Press, 141–201.
- _____, 2011, "Simurru," *Reallexikon der Assyriologie* 12/7-8, 508–511.
- Gelb, I.J., 1944, *Hurrians and Subarians*, Chicago, University of Chicago Press.
- _____, 1957, *Glossary of Old Akkadian*, Chicago, University of Chicago press.
- Grayson, A.K., 1974, *The Empire of Sargon of Akkad*, AFO 25.
- Klengel, H., 1965, "Lullubum: Ein Beitrag zur Geschichte der altvorderasiatischen Gebirgsvölker," *Mitteilungen des Instituts für Orientforschung* 11, 349-71.
- Hallo, W.W., 1978, "Simurru and the Hurrian Frontier," *RHA* 36, 71-83.
- Herzfeld, E., 1920, *Am Tor von Asien. Felsdenkmale aus Irans Heldenzeit*, Berlin, Dietrich Reimer.
- Hrouda, B., 1976, *Iranische Denkmäler: Lieferung 7 enthaltend Reihe II: Iranische Felsreliefs C: Sarpol-i Zohab*, Berlin, Dietrich Reimer Verlag.
- Mofidi Nasrabadi, B.M., 2004, "Beobachtungen zum Felsrelief Anubaninis," *ZA* 94, 291-301.
- Owen, D., 2000, "The Royal Gift Seal of Silluš-Dagan, Governor of Simurru," in S. Graziani (ed.), *Studi sul Vicino Oriente Antico, dedicati alla memoria di Luigi Cagni*, Napoli, Istituto Universitario Orientale, 815-846.
- Potts, D.T., 1994, *Mesopotamia and the East. An Archaeological and Historical Study of Foreign Relations, ca. 3400-2000 BC*, Oxford, Oxford University Committee for Archaeology.
- Parpola, S., 1970, *Neo-Assyrian Toponyms*, Neukirchen-Vluyn, Alter Orient und Altes Testament 6.
- Rawlinson, M., 1839, "Notes on a March from Zohab, at the foot of Zagros, along the Mountains to Khuzistan (Susiana), and from thence through the province of Luristan to Kirmanshah, in the year 1836," *Journal of the Royal Geographical Society of London*, Vol. 9, 26-116.
- Shaffer, A. and N. Wasserman, 2003, "Iddi(n)-Sîn, King of Simurru: A New Rock Relief Inscription and a Reverential Seal. Mit einem Beitrag von Ursula Seidl," *ZA* 93, 6-16.

- Walker, M.F., 1985, *The Tigris Frontier from Sargon to Hammurabi. A Philologic and Historical Synthesis*, Yale, Ph.D. Dissertation presented to the Faculty of the Graduate School of Yale University.
- Whiting, R.M., 1987, *Old Babylonian Letters from Tell Asmar*, Chicago, University of Chicago Press.
- Wilhelm, G., 1989, *The Hurrian*, Wiltshire, Aris & Philips Warminster, England.
- Vanden Berghe, L., 1983, *Reliefs Rupestres de l'Iran Ancient*, Bruxelles, Musées Royaux d' Art et d' Histoire.
- Zadok, R., 2002, "The Ethno-Linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period," *Iran* 40, 89-151.
- Zettler, R. L., 2006, "Tišatal and Nineveh at the End of the 3rd Millennium BCE.," in T. Abusch, M.J. Geller, M.P. Maidman, S.M. Maul and F.A.M. Wiggerman (eds.), *If a Man Builds a Joyful House* (503-514), Leiden, Fs Erle Verdun Leichty.

